

نایب رئیس - چون راپورت حاضر نیست میماند برای جلسه آتیه جلسه آتیه شب یکشنبه راپورت کمیسیون ۸ نفری در باب لایحه وزراء اگر رسید که دستور همان خواهد بود والا راپورت کمیسیون بودجه در باب اراضی قیلاب عربستان و راپورت کمیسیون بودجه راجع بپورته فتح الله خان مجاهد ایضا راپورت کمیسیون بودجه در باب یحیی خان قزاق .

حاج آقا - بنده با اینکه منتظر بودم که این لایحه امشب از کمیسیون آمده باشد بمجلس بازهمچو استنباط کردم از فرمایشات آقای نایب رئیس که معلوم نیست در جلسه آتیه هم بمجلس بیاید چون تجربه خیلی کرده ایم که هر لایحه که بکمیسیون برود خیلی معطل میشود حتی اینکه بعضی لوايح بطوری در کمیسیون معطل مانده که مدفون شده و علاوه بر این لایحه راجع بقانون شرکتها که يك شورهم در آن شده و يك قانون مهمی است خوب بود تا کید کنید که حاضر شود و آنهم موضوع مذاکره قرارداد شده تا بعضی چیزها که اهمیت ندارد موضوع مذاکره قرار ندهند و يك مدتی وقت مجلس صرف آن ها نشود علاوه بر این يك سئوالی هم بنده کرده بودم از وزارت داخله راجع باقای معاضد الملك و حاضر نشدند مستدعی هستم تأکید بفرمائید که حاضر شوند و جواب سئوال مرا بدهند چون مدتی است که چندین مرتبه بنده تقاضی کرده ام که حاضر شوند و حاضر نمی شوند .

نایب رئیس - در خصوص کمیسیون امشب منعقد میشود و وزراء امشب خواهند آمد و مذاکره خواهد شد امیدواریم زودتر تمام بشود کوتاهی نخواهد شد .

منتصر السلطان - بنده هم در دستور تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون انتخابات را اگر تمام شده برای شور دوم جزء دستور نگذارید اگر تمام نکرده اند از طرف هیئت رئیسه تأکید بفرمایند که کمیسیون تشکیل شود که شور دومی را تمام کنند و جزء دستور بشود قانون پستی هم مدتی است که شور اولش تمام شده و دیگر بمجلس برگشته و این قانونها همینطور در کمیسیونها میماند و در این دوره نخواهد گذشت خوب است کمیسیونها بهتر از این کار بکنند یکی هم قانون شرکتها را که آقای حاج آقا تقاضا کردند بنده هم تقاضا میکنم که به کمیسیون تأکید شود که زیادتر مراقبت بکنند که بمجلس بیاید و جزء دستور شود .

آقا سید حسن مدرس - در قانون شرکتها نظری شده است و بنامد که آقای رئیس چون ترتیب این قانون شرکتها را ایشان داده اند بنشینند و مجلس بکنند و حضرت آقای حاج امام جمعه هم تشریف بیاورند و آن مجلس فراهم نیامد از جانب ماها قصوری و تقصیری نشده است قانون پستی را هم چند مرتبه آوردند که مذاکره شود معاون وزارت پست با بعضیها آمدند بعضی موادش را بردند که ملاحظات خودشان را بکنند پیش آنها معطل مانده است پیش ما معطل مانده و دیگر پیش ما نیاوردند والا ترتیبش داده میشود و تقصیری از ما نبوده است **حاج شیخ اسدالله** - بنده تقاضا میکنم

راپورت کمیسیون بودجه راجع به ورته مرحوم آقا سید ریحان الله که طبع و توزیع هم شده و يك اندازه اهمیت میدهم بنده این مطلب را همچنانکه نسبت به مجاهدین تشویق میکنم خوب است نسبت بروحانین هم تشویق بکنیم و جزء دستور گذاشته شود .

نایب رئیس - در يك جلسه که نمیشود در جلسات دیگر در دستور گذارده خواهد شد (مجلس چهار ساعت الاربع ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۹

صورت مجلس شب یکشنبه ۹ شهر رمضان ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك افتتاح گردید .

آقای میرزا ابراهیم خان صورت مجلس شب پنجشنبه را قرائت نمودند (غائبین جلسه قبل)

بدون اجازه - حاج سید نصرالله - آقا میرزا احمد - میرزا اسدالله خان - آقا سید حسین اردبیلی معزز الملك - دهخدا - آقا سید محمد باقر ادیب - آقایانیکه بوقت مقرر حاضر نشده اند - آقا میرزا ابراهیم قمی یکساعت و نیم طباطبائی - حاج مصدق الممالک یکساعت و ربع حاج امام جمعه - نیرالسلطان ۵۰ دقیقه آقا سید محمد رضای مساوات ۵۰ دقیقه وحید الملك - متین السلطنه - آقا شیخعلی شیرازی - آقا شیخ رضا - آقا میرزا یانس - سلیمان میرزا نیم ساعت .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (ملاحظاتی نبود)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد مطلبیکه جزء دستور است پروگرام هیئت وزراء است قرائت می شود بعد در کلیات مذاکره میشود (پروگرام مزبور عبارت ذیل قرائت شد) چون هیئت وزرای حالیه در موقعیکه این کابینه تشکیل یافت بواسطه لزوم اقدامات مهمه فوریه نتوانستند حسب الرسم پروگرام خود را تقدیم مجلس شورای ملی بنمایند علیهذا لایحه را که چند روز قبل بمجلس پیشنهاد کرده بودند و از طرف مجلس مقدس بکمیسیون مخصوص ارجاع شده و موافقت اعضای کمیسیون را هم حاصل نموده بنا براینکه شامل مطالب کلی میباشد بعنوان پروگرام بمجلس شورای ملی تقدیم مینمایند (محل امضاء رئیس الوزراء)

۱ - قانون انتخابات که از مجلس شورای ملی میگردد چون شرکت هیئت دولت در مباحثات آن لازم است وزراء مطالعه کرده رأی قطعی خود را در مواد آن اظهار خواهند نمود .

۲ - چون در قوانین اساسی حاضره اصلی راجع بکیفیت تجدید نظر در آنها نشده و دولت تجدید نظر در قوانین مزبور را لازم میدانند لهذا در موقع انتخابات آتیه از طرف دولت اعلان می شود در صورتیکه ملت ایران با نظریات دولت در این موضوع موافق باشند اشخاصی را که بنمایندگی انتخاب مینمایند حق تجدید نظر در قوانین اساسی داشته باشند بنا براین دولت برای اینکه رأی ملت را در این باب بفهمد پس از آنکه دوثلث از تمام منتخبین حاضر شوند مجلس را برای صلاحیت در تجدید نظر کافی دانسته در باب لزوم یا عدم لزوم

تجدید نظر رجوع برای نمایندگان جدید خواهد نمود و هرگاه با کثرت دو ثلث آراء را از دوثلث مزبور رأی بتجدید نظر داده شد رأی ملت معلوم و شروع بمذاکرات راجعه بآن خواهد شد

۳ - چون باید هیئت دولت بقدر کفایت مقتدر بوده و اختیاراتیکه لازمه تمهید مسئولیت هیئت رادارا باشد و در انجام تکالیف خود فقط مصالح مملکت را در نظر گرفته از القآت اشخاص یا مجامع غیر مسئول بهیچوجه متأثر نشده در مواقیکه این قبیل اشخاص یا مجامع عقاید خود را بدون اطلاع و رجوع بولبای مسئول امور بموقع اجرا میگذارند و یا بواسطه بعضی اقدامات از قبیل انتشارات معمول یا تشکیلات خفیه یا مشوب کردن افهان در صدد تضعیف قوای دولت بر میآیند فوراً از آنها جلو گیری نموده مرتکبین را مجازات خواهند داد ۴ - چون باید دولت تمرکز قوای مملکت اهتمام فوری کرده از عدم مرکزیت و تشتت اقتدارات جلو گیری نماید برای ابقای این مقصود تجدید نظر در قوانین انجمنهای ولایتی و ایالتی و بلدی بنا استفاده از مستشار هائیکه از اروپا جلب شده اند لازم است و بمجلس پیشنهاد خواهد شد و چون در قانون انجمنهای بلدی حق انفصال بدولت داده نشده است قبل از آنکه نتیجه تجدید نظر معلوم و قانونی شده دولت در انفصال آنها مختار خواهد بود - اشخاصیکه بواسطه فقد قوانین شرعیه که بایستی برای قوانین اساسی نوشته شود از ابهام و اجمال قوانین مزبوره استفاده کرده مغل نظم و آسایش عموم میشوند و باستناد بطواهر قوانین مجمل و مبهم بوسیله انتشارات یا وسایل دیگر با اقدامات دولت ضدیت مینمایند و حتی بعضی اوقات برای اجرای مقاصد خود و قوانین ممالک دیگر متوسل میشوند باید دولت در جلوگیری و دفع ضرر آنها مختار باشد و کلیه از مفاسدیکه ممکن بر سوء تأویل مجملات قوانین مترتب کشور جلوگیری نماید .

۶ - چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت

دو منظور اساسی در نظر دولت است ایجاد قوای منظم کافی و عجلت تشکیل ژاندارمری مرتب در تحت اداره و تعلیم صاحبمنصبان سوئدی لازم است برای ایفای این مقصود دولت اقدامات لازمه را نموده لوايحی را که برای ترتیب جریان این مقصود و تکمیل آن لازم بدانند بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد ۷ - بعضی ادارات و تأسیسات که بدون اقتضای ضرورت و از روی عدم تجربه ایجاد شده و بقای آنها با احتیاجات فعلی مملکتی متناسب نیست بلکه موقوف کردن یا تخفیف دادن آنها از نقطه نظر مالمیه و مقتضیات مملکت لازم است باید دولت در تخفیف یا حذف و ابقاء آن ها مختار باشد

۸ - در باب اصلاحات اساسی وزارت عدلیه دولت مشغول مطالعات لازمه بوده و پیشنهادی بمجلس شورای ملی خواهد کرد و قبل از آن که ترتیب مزبور پیشنهاد شده و صورت قانونی پیدا کند هم اختیاری برای دولت لازم است که باقتضای وقت و موقع اقداماتی را که برای اجرای عدالت لازم میدانند بنمایند

۹ - مادام که قانون مجازات از مقامات مقننه نگذشته است و باید دولت در دادن مجازات به ترتیبیکه هیئت وزراء قانون موقتی را مرتب خواهند نمود مختار باشد بدیهی است که پلتیک داخلی هر مملکت ۱۰ - تا يك اندازه بوضعیت پلتیک در روابط خارجه آن

مملکت مربوط است و مادام که پلنتیک خارجه يك مسلك مستقيم و مال اندیش اتخاذ نشده منظور است دولت در پیشرفت پلنتیک داخلی نیز دچار اشکالات خواهد شد بنا بر این دولت باید در روابط خارجی روشی اتخاذ نماید که همراهی و اعتماد دول متجا به خصوصاً دولی را که اهمیت و روابط آنها مسلم است نسبت بدولت حاشره جلب نماید و افکار عمومی نیز بازو شیکه هیئت وزراء اتخاذ میکنند مساعد و همراه باشد .

رئیس - مذاکره در کلیات است مخالفی نیست **آقا شیخ محمد خیابانی** - اگر چه

بمداز رجوع این لایحه بکمیسیون يك اندازه ورق را برگردانید یعنی مداز آنیکه اسم پروگرام باین لایحه گذارده شد دیگر نمیشود مخالفت کرد و باین موقعیکه می بینیم و باین اعتمادیکه وزراء داریم نمیشود پروگرام يك همچو وزرائی وارد کرد یعنی رد کردن این پروگرام عدم اعتمادیکه به کابینه است و در این موقع نمیشود پاره تنقیدات که مستلزم عدم اعتماد بکابینه است نمود این است که از این لحاظ بنده نمیتوانم اظهار عدم اعتماد کنم زیرا کمال اعتماد را باین کابینه دارم ولی از آن طرف هم این لایحه چیزهایی دارد که اگر چه ورقه سفید هم بدیهیم باید آن نظرات را بکنم که موکلین مانگویند که اینها ملتفت بعضی امور نشدند و بصلاح ما و مملکت حرف نزدند اینست که چون در بعضی فقرات این لایحه نظرات هست باید بگویم که ملتفت هستیم و آنها را ما باید رد بکنیم یا اینکه حق نداشتیم که داخل در آن بشویم اینست که مخالفت بنده نه از اینرواست پروگرام وزراء را رد کنیم بلکه کمال موافقت را با پروگرام وزراء دارم ولی در این لایحه بعضی موادی مبینم از قبیل ماده دوم و بعضی مواد دیگر که بنده واقفا هر چه فکر میکنم معنی آنها را نمیدانم و چون آنها را یکی یکی بشمرم که چه چیز است و همین قدر عرض میکنم که بنده یکی از و کلائی هستم که اگر ورقه رای داده شود تماماً با این لایحه همراه هستم ولی نظرات خودم را هم باید عرض کنم و در موادم که مذاکره شد شاید عرض خودم را بکنم و چون کمال اعتماد را بکابینه وزراء دارم و اگر بعنوان پروگرام این را نمیاوردند و این باعث نمیشه که اسباب نزاع کابینه وزراء بشود اگر چه مبینم بعضی از وزراء خصوصاً آقای رئیس الوزراء بکدم از کار کنار نمیکشند ولی با نزاکت و بعضی ترتیبات دولت مخالف است اینست که این صحبت را نباید کرد و اگر هم قبول شد نظر اعتماد بوزرا است لکن نباید این را بعنوان پروگرام بیاورند .

حاج آقا - بنده در کلیات این لایحه و همچنین در تمام مواد چیزیکه خارج از اختیارات دولت باشد چون نمی بینم باین جهت تصور نمیکردم در کلیات یا در موادم اظهار مخالفتی یا اعتراضی بشود چه بصورت لایحه اگر در مجلس شورای ملی وارد میشد یا بعنوان پروگرام وزراء بواسطه اینکه این مواد را هر قدر که بنده مطالعه کردم چیزیکه از حقوق دولت خارج باشد در این ندیدم و قتیکه داخل شدیم در مواد اگر گفتگوئی شد بنده هم نظرات خودم را عرض میکنم ولی هیئت وزراء در کلیات این لایحه عرض میکنم چون موادم هیچ از حقوق و

حدود دولت خارج نیست در کلیاتش هم ابدأ گمان نمیکند که از وظایف و حدود آنها خارج باشد و نسبت بماده دوم که اشاره شد بنده تصور میکنم که آن یکی از حقوق مسلمه پادشاه مملکت و هیئت دولت است و بعد اگر در آن ماده داخل شدیم و مذاکره شد بنده نظر خودم را عرض میکنم و آن مسئله در کلیات نباید مذاکره شود .

دکتر حاج رضاخان - همینطوریکه آقای

خیابانی فرمودند بنده هم لازم است ابتداء عرض کنم که مخالفت من مخالفت با کابینه و عدم اعتماد بوزراء نیست چیزیکه هست باید نظریات خودم را بگویم و او اینست که این لایحه بهمان ترتیبی که بکمیسیون رفته است مراجعت کرده است هیچ صورت پروگرامی ندارد پروگرام خارج از اختیارات است بنده سه ماده او را مثل میزان يك ماده اش اختیارات است باین معنی که چون برای انجمن بلدی حق انفصال داده نشده امروز داده میشود پس این پروگرام نیست و ماده اولش هم در باب تجدیدنظر در قانون انتخابات است هیچوقت هیئت دولت را مانع نبودند که نظرات خودشان را نکنند در سابق همیشه نظریاتشان را کرده اند هیئتی هم می آید قانونی هم که بعد وضع میشود البته نظرات خودشان را خواهند کرد این را بنده نمی فهمم این توضیح و اضحات است و اما ماده دوم هم خارج از وظیفه و کلا است که گوش بدهند بنده نمیدانم بچه جهت این صورت پروگرامی پیدا میکنند که بیاید اینجا و اینکه چهار اصل از قانون اساسی را بآن تفصیل یعنی بطریق رجوع بملت تغییر دادند این بما چه مربوط است باز و قتیکه رجوع بملت کردند البته آنها اگر صلاح دانستند تغییر خواهند داد ابدأ بما مربوط نیست که ما امروزه برای و کلائی آتی تعیین اختیارات بکنیم که آنها با چه اختیاری بیایند اینجا .

افخار الواعظین - بنده اولامی خواستم عرض کنم که هیچ فرقی نیست در این موادم بصورت پروگرام بیاید بمجلس چه بصورت لایحه و اینکه اظهار میشود که چون این بصورت پروگرام آمده است بمجلس ما اگر رد کنیم عدم اعتماد ما نسبت به هیئت وزراء ثابت خواهد کرد و چون اعتماد مجلس شورای ملی به هیئت وزراء ثابت است پس باید این را تصدیق بکنیم بنده عرض میکنم که اگر این بصورت لایحه سابق بود که پیشنهاد شده بود باز بنده تصدیق میکردم و در هیچیک از این مواد بنده يك چیزی نمبینم که يك مسئله خیلی مهم فوق العاده باشد که بتوانیم بگوئیم هیئت دولت حق نداشتند این را پیشنهاد کنند یا مجلس شورا حق نداشتند است داخل در مذاکراتش بشود و اما ماده اول بدیهی است هر هیئت دولت در هر قانونی که بمجلس پیشنهاد شده حق نظر دارد که عقاید خودش را اظهار بدارد بجهت اینکه مجری آن قانون هیئت دولت است پس کسیکه میخواهد قانون را اجرا بکند بدیهی است که حق دارد نظرات خودش را پیشنهاد کند و مخصوصاً قانون انتخابات که یکی از قوانین مملکت است و باید بدست وزیر داخله انتخابات بعمل بیاید بدیهی است و قتیکه بمجلس پیشنهاد میشود هیئت دولت عموماً وزیر داخله خصوصاً حق دارند و

که عقاید خودشان را اظهار کنند که این قانون قابل اجرا هست یا نیست و اگر بعضی مواد هستند آن قانون که غیر قابل اجرا است وزیر داخله حق دارد که رد کند و اما در باب ماده دوم آقایان اشتباه نفرمایند که این قانون نیست هیئت دولت این ماده دوم را بعنوان قانون بمجلس پیشنهاد نکرده که تا از وظایف ما باشد یا نباشد و نمیخواهند که ما در او رای بدیم که این سمت قانونی پیدا کند هیئت دولت میخواهد عقاید خودش را بمجلس اظهار دارد و برگرداند و آمال خودش را که در نظر دارد ارائه بدهند و از آن - مله یکی این است اظهار میدارد که من لازم میدانم تجدید نظری در قانون اساسی بعمل بیاید و این هم بدیهی است که بنده است برای ملت در وقت انتخابات بملت اعلام خواهد شد کسانی را که میخواهند انتخاب کنند کسانی باشند که صلاحیت يك همچو کار را داشته باشند و اشخاص لایق و کافی و بصیر انتخاب بکنند اعم از این که آن ها که اینجا جمع شدند تجدید نظر بکنند یا نکنند شاید بیایند قانون اساسی را از این که امروز هست بکفتری دیرامش را تنگ کردند شاید اختیارات دولت را از آنچه امروز هست (که بنده این اختیارات دولت را برای اداره کردن يك مملکت خیلی کم میدانم و عرض میکنم در قانون اساسی اختیارات پادشاه و نایب السلطنه و هیئت دولت پایه قدری وسیع تر باشد) شاید آن ها لازم نمانستند و آمدند دائره اش را وسیع نکردند بلکه بکفتری هم تنگ تر کردند هیئت دولت فقط این خیال خودش را بمجلس شورای ملی اطلاع میدهند که من در موقع انتخابات يك همچو اعلامی خواهم کرد این قانونیست که اگر شما رای دادید دولت اعلان خواهد کرد و اگر ندادید دولت اعلان نخواهد کرد این نسبت به حال دولت مساوی است چه رای بدید چه ندهید این حق ثابت دولت است و در موقع انتخاب این اعلان را خواهد داد و در مابقی هم بنده با تمام همراهم و چیزیکه در اینجا يك مسئله خیلی مهمی باشد و وزراء نسبت باهمیت موقع مملکت خواسته باشند که از اهمیت موقع استفاده کنند و بعضی اختیارات بمیرند ابدأ چنین چیزی نیست مثلاً ادارات همان اداراتی است که همیشه مافریاد میکردیم که اغلب این ادارات در وقتیکه ابدأ وجودشان لزوم نداشتند تأسیس شده است یا آنها تئوریکه لازم بوده است بقدر لزوم تأسیس نشده است و صدای داد مأمورین در ولایات گوش مارا اینجا کر کرده و صدای ما همه همه عالم را بر کرده و اما انجمنهای ولایتی و ایالتی هم دولت نمیکوید که من امروز موقوف خواهم کرد بلی اگر بخواهند موقوف کنند بنده هم همراه نیستم بجهت این که وجود مشروطه در خراسان امروز بنده بانجمن ایالتی خراسان است و هکذا در آذربایجان و سایر جاها هیئت دولت میگوید که من میخواهم یک نظری در قوانین انجمن های ایالتی و ولایتی بکنم یعنی حدود آنها را بطوریکه در قانون مطرح است محدود بکنم نه این که هم عدلیه بشوند و هم نظمی بشوند و هم مالی بشوند و در تمام امور مملکت مداخله بکنند يك مسئله خیلی مهمیکه قابل مذاکره و مشاجره باشد بنده در اینجا نمی بینم .

لواءالدوله - بنده سئوالم در خصوص چند

ماده بود که پروگرام آقای سپهدار اعظم بود آن اختیارات آیا بعد از این که این لایحه در این جا گذشت منسوخ است آیا باقی است فقط سئوال بنده این است .

رئیس - در کلیات مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند (گفتند کافی است)

رئیس - رای میگیریم که داخل در موادمشود آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد در ماده اول مخالفی نیست .

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفتم از این راه نیست که دولت حق مشارکت در قانونیکه از مجلس میگذرد ندارد این مسلم است که دولت باید نظرات خودش را در قانونیکه از مجلس میگذرد بکنند الا اینکه نمیتواند بمدای گذشتن قانون از مجلس آن قانون را رد کند برای اینکه این قانون از مجلس گذشته است مثلاً در قانون انتخابات يك شور شده در بین این شور اول و دوم اگر هیئت دولت نظراتی دارد باید نظرات خودش را اظهار بدارد نه اینکه در شور دوم که میخواهد این قانون از مجلس بگذرد بموجب انباده و این شرحیکه داده میشود قانون انتخابات را مجمل بکنند بنده بر حسب ظاهر این عبارات راه چمی فهمم که یعنی قانون انتخاباتی که از مجلس میگذرد بعد از گذشتن حق تجدید نظر دارند ظاهر عبارت این است حالا اگر بنده بفهمیدم ان نمیدانم ولی قانون انتخاباتیکه از مجلس بگذرد هیئت دولت بعد از گذشتن نظر خودش را اظهار بدارد اگر در این موقع باشد بنده این را صیح میدانم والا قبل از گذشتن از مجلس نظر نمایند این چیزی نیست که اشکالی داشته باشد این از مسلیات است و باید نظرات خودش را اظهار بکنند اگر آن مطلب است اظهار بمرایند و اگر این نیست که باید معلوم شود .

رئیس - پس شما که مخالف نبودید .

حاج آقا - فرمایشات آقای حاج شیخ اسدالله اظهار مخالفتی نداشت فقط يك چیزی بود راجع بشور در قانون و گذشتن از مجلس و این مطلب هم بدیهی است که در ضمن شور يك قانونی ولو شور اول هم باشد و يك ماده که در مجلس تمام هم عقیده باشند البته دولت حق دارد که نظرات خودش را اظهار بدارد و بمجلس شورا مدلل بدارد و ثابت کند و ممکن است مجلس نظرات دولت را تصدیق بکند و از عقیده خودش برگردد و عقیده دولت را اتخاذ کند بلکه میتوانیم عرض کنیم که بعد از رای دادن هم که قبل از صحنه همایونی باشد اگر هیئت دولت نظری داشته باشد میتواند اظهار بدارد و در این ماده نمیکند اشکالی باشد و زیاده بر این گفتگو داشته باشد خوب هست رای گرفته شود .

رئیس - خاطر آقایان را مسبوق میکنم که رای نخواهیم گرفت در مواد مذاکره میشود و در لایحه رویهم رفته کلیتاً رای میگیریم دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - مذاکره در ماده دوم است مخالفی هست **هشترودی** - اولاً خواهش میکنم جوابیکه بنده میخواهم از طرف آقایان وزراء داده شود نه از

طرف و کلاه یعنی پروگرام مال هر کس هست او جواب بدهد این ماده دوم برانده در آن لایحه بکلی زائد میدانم بجهت اینکه وقتیکه بنا شود که بقانون اساسی دست بزنند و بعضی مواد او را نسخ کنند این را پارلمان حق ندارد باید رجوع کنند بافکار عموم ملت هر وقت که اقتضا نماید چه این پارلمان یا پارلمان آتی منصفد باشد یا منصفد نباشد میتوانند هیئت دولت رجوع نمایند بتمام ملت یعنی ممکن است که دولت اعلان نماید که چنین نظری را من دارم و مقتضی حال مملکت است حالا ملت هم موکل خودش را را مختار بکنند این البته برای عموم ملت است ممکن است برای اینکار يك مجلس علیحده معین بشود یعنی برای تغییر بعضی مواد قانون اساسیکه مقصود دولت است و این اختیار را ملت بوکلای مخصوص بدهند و از هر ولایت هم يك یا چه چند نفر بیایند و غیراز وکلای مجلس یا آنکه ممکن است خود پارلمان را ملت مختار نماید که نظریات خودش را در این خصوص اظهار بدارند و لکن در هر حال دولت همچوقت نباید بیارلمان حالیه نیارلمان آتی این پروگرام را پیشنهاد نماید بلکه همان طوری که عرض کردم باید بملت و افکار عامه اطلاع بدهد و هر وقت هم اینکار را میتواند بکنند دیگر این که یکی از آقایان گفت نوشتن این در اینجا فقط برای اطلاع مجلس است که مجلس بداند دولت همچو خیالی دارد بنده اصلاً اطلاع دادن بمجلس را هم زائد می دانم .

وزیر امور خارجه - عرض میکنم هیئت

وزرا هم با آقای هشترودی هم عقیده هستند ولی چون این مسئله یکی از مطالب و عملیاتی است که هیئت دولت برای آتی در نظر دارد و چونکه یکی از عملیاتی است که امروز لازم است و باید بموقع اجرا گذاشته شود در ضمن پروگرام باید بمقام فتنی اظهار بشود و زائد نیست .

آقا محمد بروجرودی - بنده اساساً با این پروگرام مخالفتی ندارم بواسطه اینکه بدیهی است و قتیکه ملت این اختیار را بوکلای آینده داد حق تجدید نظر در قانون اساسی دارد لکن حالا دو جمله است که اصلاح لازم دارد یکی آنکه دولت لازم میداند که تغییری در قانون اساسی بشود مسلم است تمام آن نیست و بعضی از آن است و لازم است لفظ و بعضی اینجا اضافه شده و در جزو اخیرش هم بنویسند که دولت برای اینکه رای ملت را بداند پس از آنکه دولت حاضر شدند شروع بمذاکرات خواهد شد و در صورتیکه دو ثلث از آن دو ثلث این رای را بدهد رای ملت معلوم میشود این مسئله مسجل نمیکند زیرا رای دو ثلث از دو ثلث کاشفیت تامه ندارد و این باید طوری واضح باشد که معلوم باشد اکثریت ملت باین رای داده است اگر چه حالیه این بعنوان پروگرام آمده است و مقام تدقیق نیست ولی عرض میکنم اینکه رای دو ثلث از دو ثلث رای ملت باشد کاشفیت تامه ندارد و از این ماده به ترتیبی که در پروگرام است نمی توان استفاده کرد .

حاج آقا - درین ماده آقایانیکه اظهار مخالفت کردند در حقیقت هیچ کدام مخالف نبودند بلکه همه تصدیق دارند که این يك حق ثابت صحیحی است که بجهت هر دولت مشروطه یا جمهوری ثابت است و هر دولتی هر وقت بعضی از مواد قانون اساسی مملکت خودش را با جریان امور مملکتی منافعی به بیند حق دارد که تغییر آنرا بطریقیکه معین شده است از ملت بخواهد حالا اگر چه در قانون اساسی ما يك ماده برای این ترتیب نوشته شده و اینهم یکی از نواقص قانون اساسی ما است که غفلت کرده اند و راجع باین ترتیب چیزی ننوشته اند و دولت هم دچار محظور شده است و ناچار نظری را که در قوانین اساسی دارد باید اظهار نماید و از ملت استنباف بکنند و خواهش بکنند که تجدید نظر در آن بنماید علاوه در یکی از اصول قانون اساسی این مطلب را خوب اشاره کرده است که سایر مواد قانون اساسی با رضای ملت قابل تغییر است فقط که غیر قابل تغییر دانسته همان اصل است و آنهم اصل دوم است حالاً در اینجا ما بحث میکنیم که چون این حق دولت است نباید در پروگرام وزراء نوشته شود بنده این براد را چندان وارد نمیدانم یعنی هیچ وارد نیست برای اینکه اگر درست ملاحظه شود می بینم که این يك حق طبیعی از برای دولت است و اینهم که میگویند چون حق طبیعی دولت است نباید در پروگرام نوشته شود صحیح نیست برای آنکه ماده دو را ملاحظه میکنم می بینم از حقوق دولت است مهماندار پروگرامشان نوشته شده است پس نوشتن این مطلب برای این است دولت میخواهد آن خط مشی را که برای خودش معین کرده است بمجلس شورای ملی ارائه دهد و جلب اعتماد و کلائی ملت را در این روش برای خودش بنماید بنده سئوال میکنم از آقایان این که دولت جلو گیری بکنند از اشخاصیکه در صدد تضعیف قوای بر می آید و همچنین از مجامع و کتیبه ها و غیر آنها آیا این حق دولت نیست ؟ مسلم است که حق دولت است و گمان نمیکند که احدی در این اشکالی داشته باشد پس چطور است که ما باین هیچ اشکالی نمیکند و نمیکویم چرا در پروگرام نوشته شده است و در اینجا که خودمان میگوئیم از حقوق طبیعی دولت است و دولت در مقام اجرای آن بر آمده میخواهد این را تعقیب کند و بمجلس شورای ملی پیشنهاد بنماید میگوئیم ذکر شود در پروگرام زائد است در صورتی که این هم يك مطلبی است که از حقوق طبیعی دولت است که حق تجدید نظر در قانون اساسی دارد آنهم يك طریقیکه طریق استنباف است میخواهد بملت استنباف کند و از ملت بخواهد که بوکلای خودش را در آتی این حق را بدهند پس بنده چون اینرا مثل سایر مواد پروگرام از حقوق طبیعی دولت میدانم هیچ اشکالی نمی بینم که در پروگرامشان بنویسند و بمجلس شورای ملی پیشنهاد بکنند .

متین السلطنه - قبل از آنکه داخل در مذاکرات بشویم يك مطلبی هست که باید محرز شود و او اینست که ضدت با مواد این پروگرام مرادف ضدت با هیئت وزراء نخواهد بود و بهمین جهت است که در این ماده دوم که راجع بقانون اساسی است بعضی از نمایندگان ضدت کردند بنده هم ضدهم هستم در اینجا مباحثه و مذاکره میشود که این از حیظه دولت خارج نیست همین بهترین دلیلی است از برای اینکه آن مطلب از حیظه حقوق مجلس خارج است و

یکچیزی از مختصات سلطنت و دولت است یعنی اگر یک وقتی در قانون اساسی تغییر یا جرح و تعدیلی لازم است بدانند میتوانند بترتیبی که خود قانون اساسی اجازه میدهد تجدید نظر در آن بکنند اینها مختصات دولت است و ضرورتی ندارد که ما در این موقع داخل مذاکره آن بشویم والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه با بودن این مجلس شورای ملی هم در صورتیکه لازم بدانند میتوانند این کار را بکنند حالا تجدید نظر هم در سایر ممالک مختلف است در اغلب از ممالک بطریقه فرزاندم حل میکنند یعنی رجوع بافکار عامه مینمایند در بعضی از ممالک در مجلسی که دارند با هم می نشینند و اشکالات را رفع مینمایند در مملکت ما بدینخانه دومجلس را نداریم و اگر علتی هم بر حسب ظاهر از قانون اساسی ظاهر می شود آن هم بواسطه همین است مثل اینکه شخص بنده معتقد نیستم که قانون اساسی مانع باشد یا جرح و تعدیلی لازم داشته باشد بلکه عقیده شخصی بنده این است که قوانین اساسی ما اگر بهمان شکلی که مقنن نوشته بود اجرا میشد هیچک از این اشکالات حالیه بران دولت فراهم نیامد و عقیده بنده اینست که تمام این اشکالات از برای اینست که چرخهای قانون اساسی ما آنطوریکه باید برای نیفتاده است و چون راه نیفتاده است تصور میشود که قانون اساسی ناقص است پس چنانچه عرض کردم چون در مملکت ما دو مجلس موجود نیست و نداریم تا اینکه بتوانیم قانون اساسی خودمان را جرح و تعدیل بکنیم یا بستی رجوع بافکار عامه بشود و این هم سابقه دارد ولی اگر بخواهیم سابقه قرار بدهیم یعنی یک قانونی وضع کنیم برای جرح و تعدیل قانون اساسی که در آتیه هر وقت دولت بخواهد آن را تغییر بدهد در هر دوره انتخابیه بملت اطلاع بدهد بملک بگوید که شما باید بنمایندگان خودتان صلاحیت این تغییر را بدهید و آنها که آمده اند حضور دو نك از آن ها برای مذاکره کافی و رای دولت از آن دولت مناظره اعتبار باشد این يك چیز تازه خواهد بود که ما آن را اختراع کرده ایم در هر دوره انتخابیه دولت نظرات مخصوص در قانون اساسی خواهد داشت و تغییراتی باین ترتیب در آن خواهد داد در صورتیکه قوانین اساسی سابق قوانین معموله است و يك چیز است خارج از اینکه نمایندگان هر دوره بتوانند در آن تجدید نظری بکنند یا بجهت عرض میکنم نمیتوانیم در اینجا بتوسط این يك ماده يك چیز تازه و يك سابقه برای جرح و تعدیل قانون اساسی معین بکنیم و اگر خواستیم اینکار را بکنیم باید فهمید که اینکار خوبی است و سابقه خوبی خواهد شد باین وقت اینکار را بکنیم میگوئیم یا میگویند قانون اساسی ما ناقص است و بعضی نظریات باید در آن کرد بنده عرض میکنم البته ممکن است قانون اساسی ما دو حد داشته باشد یکی حد افراط و دیگری حد تفریط اگر چه شخص بنده معتقدم که قانون اساسی حالیه ایران حد افراط و تفریط ندارد و در حد اعتدال است یعنی بهمان تناسب که مجلس سنا از برای مملکت تصویب کرده است بهمان اندازه از حقوق سلطنت کاسته است و همینطور وزرا را مسئول مجلس کرده است نه مسئول سلطان ولی حالا

یکی از این دو حد را که بایریم یکی را حد افراط اسم میگزاریم و دیگری را حد تفریط آن مردمی که در این دوره میخواستند وکیل انتخاب بکنند آنهم وکلای که بیایند اینجا بنشینند و قوانین اساسی آنها را تغییر بدهند آنهم رأی دو نك از دولت آنها برای تجدید نظر مناظره اعتبار باشد آیا نباید بفهمند که هیئت دولت نظرش بکدام يك از این دو حد افراط و تفریط است آیا نظر دولت بجلوگیری از سرعت بيموقع است و میخواهد بتدریج پیش برود نه بسرعت و یا آنکه بفرض میگویند در این دوره سنا هم لازم است آن مردمانی که نمیدانند نظر دولت در کدام يك از این دو حد است چطور میتوانند وکلای معین کنند و با آنها بگویند که شما بروید قانون اساسی ما را تغییر بدهید و این ماده اگر از مجلس بگذرد علاوه بر اینکه در خارج يك سواثر خواهد کرد ممکن است اصلا انتخابات بعمل نیاید تا اینکه وکلای بیایند تجدید نظر نمایند برای اینکه میگویند ممکنست نمایندگان ما بروند و تغییراتی در قانون اساسی ما بدهند که بهیچوجه منظور نظر ما نیست پس بهمان مناسباتی که عرض کردم این مطلب از مختصات سلطنت است و گمان میکنم اگر آقایان وزراء رضایت داشته باشند فقط این يك ماده از اینجا برداشته شود و در سایر مواد آن رای گرفته شود.

وزیر امور خارجه - اینجا دو مسئله گفته شد که اول آقای خیابانی اظهار کردند و بعد آقای متین السلطنه چون منطقی بنظر نامد لابدم که رد بکنم و آن اینست که میفرمایند رد کردن پروگرام وزراء مستلزم عدم اعتماد بوزراء نیست بنده هر چه از آن وقت تا بجا فکر میکنم کرد کرن پروگرام وزراء بطور مستلزم عدم اعتماد بوزراء نیست. نفهمم اعتماد وکلاء وزراء بجنبه جسمانی و اشخاص آنها که نیست بعقاید و افکار و آن (پرنسپ) هائی که میخواهند آنها را در مملکت جاری بکنند و هیچ نمیتوان گفت وکلاء باشخاص وزراء اعتماد دارند و کلاء باید باعمال وزراء اعتماد بکنند و وقتیکه باعمال آنها موافق نباشند نمیشود که باشخاص آنها موافقت داشته باشند پس این حرف که اظهار شد بآنها اعتماد داریم و ممکن است موافقت با پروگرام آنها نداشته باشیم متناقض بود یکی دیگر اینکه میگویند این مسئله راجع بمجلس نیست چرا آوردند بمجلس جواب این را مختصراً در جواب آقای هشتودی عرض کردم و حالا مفصل تر عرض میکنم که هر وزیرائیکه در يك مدتی مسئول امور زمام دار امور هستند باید يك نقشه عملیه در دست آنها باشد و آن نقشه عملیات خودشان را مطابق ترتیباتیکه در ممالک مشروطه هست بیاورند و اظهار بدارند آنها هم معلوم است يك چیزها بیکه برخلاف قانون اساسی باشد نمیتواند بیاورند و بنایست بیاورند و نخواهند آورد فقط چیزها بیکه بیاورند چیزها بیکه متفرع بر قانون اساسی است و نتایج قانون اساسی است و تصور میکنم که ما آنچه آورده ایم از همین قبیل است و چیز زائدی نیاورده ایم اما این فرمایشاتیکه در باب ممالکی که قواعد و قوانینی برای تجدید نظر در قانون اساسی دارند و ممالیکه قواعد و قوانین برای تجدید نظر در قانون اساسی ندارند فرمودند توضیحش

اینست که ممالک متعدده دنیا که از روی اصول مشروطیت عمل میکنند از دو قسم خارج نیستند یا اینکه در قانون اساسی آنها يك اصلی برای تجدید نظر در قانون اساسی نوشته شده است یا اینکه نوشته نشده است آنها بیکه ترتیبات مخصوصی برای تجدید نظر در قانون اساسی دارند معلوم است احتیاج باینکه ترتیبی را در پروگرام خودشان بیاورند یعنی يك چنین مطلبی که راجع بتجدید نظر باشد در پروگرام بیاورند اظهار بکنند ندارند يك کیفیاتی دارند که مطابق آن کیفیات اگر بایست تجدید نظر بکنند میکنند آن مثلیکه زدند که دو مجلس دارند و از آن دو مجلس يك مجلس تشکیل میکنند و آنوقت يك نظری در قانون اساسی میکنند این مال آن ممالکی است که يك ترتیبی برای تجدید نظر دارند اما آن ممالیکه يك ترتیبی برای تجدید نظر ندارند شاید رجوع بافکار عمومی کرده اند و شاید بترتیب رجوع بملت اینکار را بکنند و ما هم چون در قانون اساسی ترتیبی را راجع بتجدید نظر نداریم اینست که مجبور شدیم که رجوع بملت بکنیم حالا هر چه بقتدر حس کردیم که بعضی اعتراضات یا در جنبه افراط یا در جنبه تفریط که حالا نمیخواهم عرض بکنم در قانون اساسی هست و از آن طرف هم چون حکومت ماحکومت ملی است و بهیچوجه هم نمیتوانیم زیر حاکمیت ملی بزنیم یا بجهت باید از ملت سؤال کنیم و بفهمیم که تجدید نظر در قانون اساسی را میل دارند بشود یا اینکه میل ندارند و فهمیدن میل ملت را بهتر از این راهی تصور نکردیم که وکلای را که حالا انتخاب میکنند يك وکلای باشند که صلاحیت تجدید نظر در قانون اساسی را داشته باشند و باز هیچ وسیله برای فهمیدن رأی ملت نداریم جز اینکه بنمایندگان آن ها رجوع کنیم در قوانین عادی یا اینست که وقتیکه نصف از وکلای حاضر شدند مجلس تشکیل میشود و از آن نصفی که حاضر شدند و مجلس را منعقد کردند وقتیکه سه ربع حاضر شدند شروع میکنند بمباحثات یا گویا وقتیکه دولت حاضر شدند شروع میشود بذاکرات و وقتیکه سه ربع حاضر شدند و شروع میشود باخذ رأی یا اینطور است یا بکسکس حالا ما خواستیم که يك ترتیبی قرار بدهیم از برای تجدید نظر در قانون اساسی که قدری سخت تر باشد اولاً گفتیم بعد از آن که دولت از نمایندگان ملت که حاضر شدند آن وقت صلاحیت داشته باشند که از آن ها بپرسیم که تجدید نظر در قانون اساسی لازم است یا لازم نیست آن وقت دو نك که رای دادند رأیشان مناظره اعتبار باشد مخصوصاً این را در این لایحه نوشتم و گفتیم باید در تجدید انتخابات اعلان شود که مردم نمایندگان خودشان را باین نظر انتخاب بکنند چرا بجهت اینکه قوانین اساسی را ما موافق قوانین معمولی میدانیم و می گوئیم بآنها باید يك اهمیت بیشتری داد و این هم که میگویند بایستی وزراء نقطه نظر خودشان را بگویند که تغییراتیکه میگویند در حد افراط است یا در حد تفریط از طرفی خودتان میگویند هیچ کس حق تجدید نظر در قانون اساسی ندارد از طرفی میگویند وزراء نظرات خود را بگویند وزراء همین قدر میگویند بعضی اعتراضات در قانون اساسی هست که یا بطرف افراط است یا بطرف تفریط و چون خود وزراء مثل مجلس شورای ملی حالیه هیچ صلاحیتی

ندارند که در این باب مذاکره کند برای ملت و اگذار میکنند پس از آنکه ملت يك اشخاصی را برای صلاحیت اینکار انتخاب کردند نمایندگان خودشان ترتیب میدهند ما نباید در این خصوص حرف بزنیم و هر وقت میل واراده ملت را معین کردند بآن طور عمل خواهند کرد ما حالا نمیتوانیم اینجا معین بکنیم

رئیس - مذاکرات دو ماده دویم گویا کافی باشد يك چیزی آقای حاج سید ابراهیم پیشنهاد کرده اند قرائت میشود و بعد از کسب عقیده آقایان وزراء ماده سیم قرائت میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم دو فقره آخر ماده دویم از لفظ (و هر گاه با اکثریت دو نك از دو نك) این طور نوشته شود و هر گاه با اکثریت از نصف از مجموع نمایندگان رأی تجدید نظر داده شد رأی ملت معلوم و شروع بمذاکرات راجعه بآن خواهد شد

رئیس - توضیح دارید بفرمائید

حاج سید ابراهیم - مقصود بنده این بود که معلوم شود که اگر ملت حاضر شده است که تجدید نظر در قانون اساسی بشود و تغییری داده شود این وقتی معلوم میشود که اکثر از نمایندگان رأی بدهند مثلاً از ۱۲۰ نفر شصت و یک نفر رأی بدهند و در این لایحه نوشته است هر گاه دو نك از دو نك نمایندگان رأی دادند رأی ملت معلوم میشود بحسب حساب که ملاحظه کنیم درست نیست اینست که بنده اینطور پیشنهاد کرده ام

رئیس - عقیده آقایان وزراء در این باب چیست قبول میکنند یا خیر

وزیر امور خارجه - وزراء همانطور که نوشته اند صحیح تر میدانند

رئیس - چون این لایحه را مثل لوایح قانونی نمیشود تصور کرد اصلاحاتی که میشود آخر خوانده میشود و آقایان بیکه اصلاح پیشنهاد میکنند میتوانند اصلاح پیشنهاد بکنند که فلان ماده تجزیه شود که مطابق آن رأی بگیریم والا در کلیه لایحه رأی گرفته میشود در ماده سوم مخالفی هست

هشترودی - بنده ماده سوم را لازم ترین مواد این پروگرام میدانم که باید باشد ولی آخرش را ناقص میدانم و پیشنهاد کرده ام و تقدیم میکنم و حالا توضیح میدهم که تجزیه بشود یا تجزیه نشود تمام ماده را خوب نوشته اند تا جائیکه مینویسد در - صدد تضعیف قوای دولت برمایند فوراً از آنها جلوگیری نموده مرتکب را مجازات خواهند داد بنده پیشنهاد میکنم که پس از ثبوت در محاکم عدلیه باعلنی بودن محاکمه ضمیمه بشود که اگر غیر از این باشد بنده رأی نخواهم داد بجهت منطقی آنرا عرض کنم که در مملکت قانونی دولت حق ندارد بدون محاکمه کسیرا مجازات دهد

حاج آقا - هیئت وزراء مکرر کردند این معنی را که در این پروگرام خط مشی وزراء است و در پروگرام يك حرفی راجع بترتیب محاکمه و غیره ابتدا نیست در پروگرام وزراء خط مشی شانرا میخواهند معین کنند که کسانی که در صدد تضعیف دولت هستند آنها باید مجازات شوند و دولت قطعاً هر کسیرا بعنوان اینکه در صدد تضعیف قوای دولت برآمده است نخواهند گرفت و مجازات دهد آن هم

بقوه دفاعی دولت در مقام اینست که با کمال مسرت جلوگیری کند و مجازات دهد کسانی که در صدد تضعیف قوای او برمایند و البته آن مجازات کردن يك ترتیب مخصوصی دارد و آن ترتیب مربوط به پروگرام وزراء نیست و آن عبارت را بنده هیچ ملازم باین نمیدانم که معنی این باشد که دولت هر کسیرا خواست بگیرد بدون تحقیق و محاکمه و مجازات کند و بهیچوجه محتاج باین نیست که نوشته شود در محاکم یاد غیر محاکم آن يك ترتیبی است که در محل خودش معین است

لواءالدوله - عرض کنم بنده مخالفت کلی ندارم فقط مخالفتم برای عنوانیست که کرده شد برای این بود که از آقایان وزراء سئوالی کردم و آن سئوال بنده در این ماده سوم با زور داد است يك اختیاراتی در کابینه سابق گرفتند میخواهم بدانم که آن اختیارات منسوخ شده است و اینها يك اختیارات دیگری است یا آن که این اختیارات هم هست آن اختیارات هم باقی است و اینها اضافه بر او است و این را که نمایندگان اظهار داشتند اعتماد بوزراء دارند لکن موافقت ندارند با پروگرام این مثل این است گفته شده من دوست دارم این آدم را اما بدست این هرگز نمیشود و این را که عرض کردم که آن ها میخواهند برای این ملت بیچاره اینها را میخواهند و میخواهند کار بکنند و کار هم میکنند لکن سئوال بنده را هم باید بگویند و هیچک از آقایان جواب ندادند و تقریباً يك خلاف شرعی هم از ایشان بروز کرد که جواب سئوال بنده را ندادند

افتخار الواعظین - یکی از موادی که بنده هیچ او را قابل مذاکره نمیدانم و بلکه مسلم بیش تمام نمایندگان محترم میدانم ماده سوم بود بجهت این که معلوم است اشخاص غیر مسئول که بخواهند در امور دولت مداخله کنند یا بواسطه کمیته های مخفی از اقدامات دولت جلوگیری بکنند و در مملکت در صدد تضعیف قوای دولت بر آیند این بدیهی است که از وظایف اولیه دولت است که از آن اشخاص غیر مسئول و مجامع سری و کمیته های مخفی جلوگیری بکنند آن وقت اگر کسی را باین جهت گرفتند میگویند او در صدد تضعیف قوای دولت برآمده یا آن که در کمیته مخفی بوده یا بجهت من ترا مجازات میدهم این گمان میکنم بهیچوجه من - الوجوه محل تردید و اختلاف نبود و اما این که آقای هشتودی فرمودند که هیئت دولت اشخاصی را که میخواهند مجازات بدهد باید محاکمه شود بعد از ثبوت در محاکم عدلیه دولت میتواند مجازات بدهد این بدیهی است دولت نمیگوید که هر کس با احتمال اینکه در مقام مخالفت با دولت بوده من او را مجازات خواهم داد پس حالا بطریقه مجازات او چه شکل خواهد بود بدیهی است وقتیکه معین شد در محاکم رسمی آن وقت آن ها را مجازات خواهد داد دولت میگوید کسانی که بخواهند برخلاف دولت و اشخاص مسئول اقدامات بکنند و اشخاص غیر مسئول که بخواهند در امور دولت مداخله بکنند من او را مجازات میدهم و بدیهی است پس از آن که کسی طرف سوء ظن شد پس از استنطاق و محاکم در

محاکم عدلیه یا نظامی یا سایر محاکم موقتی پس از ثبوت تقصیر مجازات خواهند شد والا بدون جهت که کسیرا نخواهند مجازات کرد

هشترودی - بنده توضیحی دارم بنده می دانستم مجازات بعد از محاکمه است و در قوانین هم نوشته شده است و همینطور است که فرمودند لکن چنانچه آقایان خودشان در سایر مواد در چیزهایی ایده بدیهیات بود یارده اظهارات کردند و پذیرفته هم شد بنده هم این را پیشنهاد کردم

رئیس - ماده چهارم در ماده چهارم مخالفی هست

محمد هاشم میرزا - عرض کنم مقصودی که در این ماده هست دوتا است یکی راجع بتجدید نظر در قوانین انجمن های ولایتی و ایالتی و بلدی است و یکی راجع بيك ماده است راجع بقانون انجمن های بلدی که دولت حق انفصال انجمن های بلدی را داشته باشد اما عبارت این قسم نوشته شده است دور که قبل از آن که نتیجه تجدید نظر معلوم و قانونی شده دولت در انفصال آنها نیز مختار خواهد بود این ضمیمه (آن ها) بر میگردد بهره انجمن و حال آنکه در خصوص انجمنهای ولایتی و ایالتی و يك ماده مخصوص است که راه انفصال آنها را معین کرده است در يك موقع معین فقط در نظامنامه انجمن بلدی ندارد و حالا در اینجا مقصودا گر همان نظامنامه انجمن بلدی است که باید تصریح شود و اگر مقصود هم انجمنهای بلدی و هم انجمنهای ولایتی و ایالتی است چون ماده مخصوص نسبت بانجمنهای ولایتی و ایالتی در این موضوع هست گمان میکنم لازم بنوشتن ماده دیگر نباشد حالا خوب است توضیح بدهید که مقصود اینست باینر این

وزیر داخله - در این ماده مطلب بطوری واضح بیان شده است که محتاج بتوضیح نیست دولت حق انفصال در انجمن های ایالتی و ولایتی دارد ولی لازم میدانم که يك تجدید نظری در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی بشود اما چون حق انفصال را در انجمنهای بلدی ندارد اینجا نوشته است که دولت در انفصال آنها مختار خواهد بود ولی تجدید نظر باید هم در قانون انجمنهای ولایتی و ایالتی بشود و هم در قانون انجمنهای بلدی

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد ماده پنجم در ماده پنجم مخالفی نیست (گفتند خیر) ماده ششم در ماده ششم مخالفی هست

افتخار الواعظین - سئوالی دارم

رئیس - بفرمائید

افتخار الواعظین - در ماده ششم مینویسد که چون برای برقراری نظم و امنیت در تمام مملکت که نظر اساسی دولت است ایجاد قوای منظم کافی و عیال تشکیل ژاندارمری مرت در تحت اداره و تعلیم صاحب منصبان سولنی لازم است بنده میخواستم از آقایان وزراء عظام سؤال کنم که آیا تمام قوای منظم دولت را میخواهند منحصر بهمان ژاندارمری بکنند که صاحب منصبان سولنی تشکیل خواهند داد یا اینکه این ژاندارمری فقط برای حفظ طوق و شوارع است و دولت باز قشون و قوای منظم دیگر از قبیل

سرباز و سوار تشکیل خواهد داد از برای مملکت اینرا خوب است توضیح بدهند .

رئیس الوزراء - تشکیل ژاندارمری برای نظم طرق و شوارع است ولی وزارت جنگ هم البته تهیه قشونش را در کمال خوبی می بیند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده هفتم در ماده هفتم مخالفی نیست (کسی اظهار نکرد)

ماده هشتم در ماده هشتم مخالفی هست (اظهاری نشد)

ماده نهم در ماده نهم مخالفی هست (مخالفی نبود) ماده دهم

دکتر علیخان - اینجا در آخر این ماده نوشته است «افکار عمومی نیز باروشی که هیئت وزراء اتخاذ میکند مساعد و همراه باشد» از این عبارت بنده اینطور میفهمم که مقصود اینست که آن روش را که دولت با روابط خارجه اتخاذ میکند باید مطابق باشد با افکار عمومی ولی این عبارت این را درست نمیفهماند میخواستیم به بینم اینطور است که بنده فهمیده ام که روشی را که دولت اتخاذ میکند باید مطابق با افکار عمومی باشد یا غیره از این است اگر غیر از این است که بنده فهمیده ام این میشود بجهت اینکه ما نمیتوانیم همراهی مجبور کنیم که با روشیکه دولت اتخاذ میکند موافق و همراه باشند و اگر غیر از این نیست توضیح بفرمائید .

وزیر امور خارجه - مجلس شورای ملی مسلم است که نماینده ملت است و بنابر این افکارش هم نماینده افکار عمومی میتواند باشد و ملاحظه کردیم که اگر عبارت اینطور باشد حسن اثری خواهد کرد از این جهت بجای اینکه بنویسیم مجلس شورای ملی موافق باشد نوشته ایم که افکار عمومی هم مساعد خواهد بود .

هشتم ویدی - بنده هم در همین فقره که آقای دکتر اظهار فرمودند مخالفت داشتم و یک پیشنهادی کرده ام که باید آنطور نوشته شود که مساعدت افکار عمومی باروش هیئت دولت اتخاذ میکند لازم و شرط است این مطلب را که بنده عرض کردم بجهت این بود که وزرای آتیه این مطلب را از این عبارت نمیفهمند بلکه بر عکس میگویند حکماً هر چه آنها اتخاذ کردند عموم باید هم فکر آنها باشد این ممکن نیست که عموم بسا افکار وزراء همراه باشند و هر کار که این ها بکنند آن ها مساعد باشند و بنده از این عبارت اینطور میفهمم که مساعدت افکار عمومی لازم است اینست که این طور پیشنهاد نوشتم که مساعدت افکار عمومی باروشی که هیئت دولت اتخاذ میکند لازم و شرط است

وزیر امور خارجه - بنده در این پیشنهاد که آقای هشترودی کرده اند هیچ ضرری نمی بینم و چندان مخالفتی هم ندارد ما میفهمیم آن چیزی که وزراء نوشته اند و ممکن است که همینطور که پیشنهاد کرده اند نوشته شود .

حاج شیخعلی - در این عبارت که در این جا نوشته شده است بنده هیچ نمیفهمم بجهت اینکه اگر دولت یک رابطه را اتخاذ کرد آن وقت این را چه خواهد کرد آیا بتمام ملت اعلان خواهد کرد که

من این روش را خواهم کرد شما هم مساعد باشید آن وقت ملت از کجا و کسی جواب بدهد از این جهت اصل این عبارت موضوع ندارد بواسطه این که این موضوع خارجی ندارد و قتیکه ما افتخار بکنیم روابط خودمان را با خارجه آن وقت افکار عمومی ملت هم باما همراه باشد آیا از چه راه افکار عمومی را اتخاذ کرد آیا ملت از چه راه میتواند بگوید که حسن روابط پیرا مسلم خواهد کرد برای خودم پس بهتر این بود که نوشته شود بمجلس شورای ملی پیشنهاد خواهند کرد و الا نمیشود که مسلم کنند برای خودشان یک روابط پیرا که افکار ملت با آنها مساعدت و همراه باشد

معزز الملک - بنده تصور می کردم این کلمه چندان اهمیتی نداشت و بعد از اینکه وزراء توضیح کردند دیگر اشتباهی باقی نماند با وجود این بنده تصور میکنم این کلمه که نوشته شده است که افکار عمومی باروشی که هیئت وزراء اتخاذ میکنند مساعد و همراه باشد هیچ آن معنائی که در اینجا گفته میشود مقصود نیست و هیچ مربوط بآن نیست که چطور آن را جلب بکنند بلکه طوری نوشته شده است که خیلی صحیح است و معنای آن اینطور میشود که خوبست بکنند و پلتیکی را اتخاذ میکنند که موافقت بکنند با افکار عمومی و چون مطابق افکار عامه خواهد بود لابد افکار عامه هم با او مساعد میشود و دیگر محظوری ندارد

آقا شیخ محمد خیابانی - از جمله مواد خیلی مهمه این لایحه یکی همان ماده آخر است عرض کنم رابطه با خارجه معین است که از روی بعضی مواد مقوله نامها و عهد نامها خواهد شد که هر دولت با کمال اهمیت باید مراعات و ملاحظه آنرا بکنند و اگر خللی بهم برساند ببرد و خواهد رسید و البته با دولت خارجه مقوله نامها و عهد نامها داریم که همیشه دولت باید مراعات آنها را بکنند و تا بحال ملاحظه و مراعات آنها را کرده است ما هیچ نمی بینیم که دولت یک تقاضائی یا قصور کرده باشد و حالا چون این ماده را بایک کمال جدیتی نوشته اند میخواستیم همینقدر توضیحاً سؤال کنم که وزیر امور خارجه از این چند سطر چه در نظر دارد بنده که چیزی نمی فهمم و تا بحال نمیدانم که یک قصوری در ایفای وظایف نسبت بخارجه شده باشد تا اینکه بخواهند از این جهت همینقدر می خواهم بدانم که این روابط را که محکم خواهد کرد و نسبت بخارجه روش اتخاذ خواهد کرد که اعتماد محبت آن ها را نسبت بخودمان جلب بکنند این روش چه چیز است البته از آنها بعضی تقاضاها خواهد شد و بدیهی است که این ماده نمیرساند و خوبست این تقاضاها را بدون پیشنهاد بمجلس شورای ملی بعمل بیاورد با اینکه مقصود از این عبارت اینست که مثلاً تا حال در مقوله نامها و عهد نامها یک قصوری شده است و می خواهند حالیه تکمیل بکنند بنده این را نمی فهمم بجهت اینکه مطلب طوری نیست که درست مفهوم بشود اینست که میخواستیم به بینم که وزارت امور خارجه از این چند نفری که پیشنهاد کرده اند چه استفاده در نظر دارند و چه خواهند کرد که تا بحال نشده است تا اینکه ما بسا آن رأی بدیم همینقدر پرده دار گفتم که توضیح بدهید .

وزیر امور خارجه - وزارت امور خارجه از این چند نفری که نوشته است مقصودش حسن روابط است غیر از اینهم مقصودی ندارد و اینکه میفرمائید تا کنون مگر اینطور نبوده است و برعکس بوده است حالا می خواهید بهتر بشود این دلیل نمیشود که سابق بر این برخلاف این بوده است که با دول خارجه حسن مراد و رابطه داشته باشد دیگر بیش از این نمیشود توضیح داد .

رئیس - دیگر در ماده دهم مخالفی نیست (گفتند خیر) رأی خواهیم گرفت در کلیه این لایحه آقای متین السلطنه تقاضای تجزیه کرده اند درباره خودم علیحده رأی گرفته شود پیشنهاد آقای هشترودی را هم که آقایان وزراء قبول کرده اند خوانده میشود .

(بعبارت ذیل خوانده شد) .

مساعدت افکار عمومی باروشی که هیئت دولت اتخاذ میکنند لازم و شرط است .

وزیر امور خارجه - لازم است کافی است کلمه شرط را نمیشود (لفظ شرط حذف شد) **رئیس** - رأی میگیریم بقیام و قعود در این لایحه لکن چون آقای متین السلطنه تقاضای تجزیه کرده اند رأی میگیریم بماده اول و سوم تا آخر آقایانیکه تمام این لایحه را باستثنای ماده دوم تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - با کثرت ۴۳ رأی تصویب شد رأی میگیریم بکلیه این لایحه آقایانیکه کایه این لایحه را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد - آقای لواء الدوله از وزارت داخله یکسئوالی در خصوص ارزاق دارالخلافه دارند حاضر برای جواب هستید .

وزیر داخله - وقت دیگر حاضر میشوم **رئیس** - جلسه آینده شب چهارشنبه و دستور آن هم همان بقیه دستور سابق است

وزیر پست و تلگراف - برای پست و تلگراف چون این اوقات خیلی اهمیت بهم رسانده است و لازم بود که یک شخصی که طرف اعتماد و امانت باشد مواظب اینکار باشد آقای میرزا اسدالله خان کردستانی بسمت معاونتی معین شدند و معرفی میشود (تبریک گفتند) .

مجلس نیم ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد

جلسه ۲۹۱

صورت مشروح مذاکرات شب چهار

شنبه ۱۲ شهر رمضان ۱۳۲۹

رئیس (آقای مؤتمن الملک) سه ساعت از شب گذشته بکرسی ریاست جلوس نمودند و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید آقا میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را قرائت کرد اسامی غائبین در ضمن صورت مجلس از قرار ذیل قرائت شد غائبین بدون اجازه - آقا میرزا احمد - آقا سید محمد باقر ادیب - حاج امام جمعه - رکن الممالک غائبین با اجازه - میرزا مرتضی قلیخان -